

خبر

افزایش ۱۰ تا ۲۵ میلیون تومانی قیمت خودرو در ۲ روز

● بی‌تدبیری مسئولان نظارتی در مدیریت بازار خودرو باعث شد تا قیمت در بازار خودرو به‌صورت نجومی بالا برود و قیمت خودروهای داخلی در دو روز ۱۰ تا ۲۵ میلیون تومان افزایش پیدا کند. به گزارش تسنیم، بازار خریدوفروش خودرو، این روزها با غفلت مسئولان اجرایی و نظارتی در مقایسه با هفته گذشته با افزایش نجومی قیمت انواع خودروهای داخلی روبه‌رو شده است. قیمت‌ها در بازار به حدی افزایش پیدا کرده است که فروشندگان خودرو دست از معاملات کشیده و هیچ خریدوفروشی انجام نمی‌شود. این در حالی است که بازار آگهی‌های فروش خودرو آن هم براساس این قیمت‌های نجومی هر لحظه در حال افزایش بوده و گویا بازار به صورت سازمان‌یافته به سمت گرانی پیش می‌رود. فروشندگان خودرو در همین زمینه به خبرنگار تسنیم می‌گویند: هفته گذشته روند افزایش قیمت دلار باعث شد تا بازار خودرو نیز متأثر از این موضوع شاهد افزایش قیمت در انواع خودروهای داخلی شود؛ اما این هفته اتفاقی در بازار ارز به وجود نیامده؛ ولی بازار خودرو مدام در حال افزایش غیرمنطقی قیمت‌هاست. جالب اینجاست که کسی تمایل به فروش خودرو ندارد و فقط با اعلام قیمت‌های غیرمنطقی التهابات بازار را بیش از گذشته می‌کند. در این شرایط واحدهای اجرایی و نظارتی و به‌ویژه وزارت صنعت به‌عنوان سکان‌دار ساماندهی بازار خودرو سکوت کرده و این مصرف‌کننده است که بلا تکلیف‌تر از دیروز نمی‌داند در این شرایط چگونه می‌تواند خودروی مورد نیاز خود را خریداری کند. البته امسال قرار شد در قالب طرح‌های فروش، خودرو در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گرفته و آنها تا یک سال امکان فروش آنها را پیدا نکنند؛ ولی جالب اینجاست که بازار با حجم زیادی از خودروهای صفر که کسی مایل به فروش آنها نیست، روبه‌روست. به اعتقاد فروشندگان خودرو اگر بخشی از این خودروهای صفر را به حساب تعهدات قبلی شرکت‌های خودروساز به مشتریان بگذاریم، حضور مابقی خودروهای صفر در بازار علامت سؤال بزرگی است. فروشندگان خودرو می‌گویند: در طول چند ماه اخیر تبلیغات زیادی ازسوی واحدهای نظارتی برای مدیریت بازار خودرو انجام شد و حتی چارچوب‌هایی نیز برای قیمت‌گذاری در بازار تعیین شد، اما متأسفانه نه‌تنها بازار به سمت آرامش نرفت، بلکه التهابات بازار خودرو هر روز بیشتر از گذشته می‌شود.

شرق: دستورالعمل تعیین ضوابط برای جلوگیری از انتصابات سفارشی ابلاغ شده است. در این دستورالعمل که به‌روز طاهری به برخی جزئیات آن اشاره می‌کند، هیچ‌گونه سفارشی برای انتصاب مدیران پذیرفتنی نیست. به گفته او، یکی از پاشنه آشیل‌ها در هلدینگ‌ها مدیران معرفی‌شده و سفارش‌شده است. برای اینکه جلوی این اتفاق گرفته شود، در دستورالعمل ضوابط آمده است که نمی‌توانید انتصاب سفارشی انجام دهید. او با تأکید بر آنکه من نمی‌خواهم ادعا کنم که با این دستورالعمل همه کارها درست پیش می‌رود، چون به‌رحال یکسری فشارها قوی است و نمی‌توان با آن مقابله کرد، گفت: اما می‌توانم تأکید کنم که جلوی بسیاری از سفارش‌ها گرفته می‌شود.

به‌روز طاهری، کارشناس حقوق خصوصی، در گفت‌وگو با «شرق» به برخی مصادیقی که زمینه بروز فساد در صندوق‌های بازشتستی را ایجاد می‌کند، اشاره کرد و گفت: در صندوق بازشتستی کشوری به‌جز اعضای هیئت‌مدیره، مدیرانی فعالیت دارند که برخی از آنها عضو هیئت‌مدیره شرکت‌های پایین‌دستی هم هستند و به‌عنوان مقام ناظر مجامع حضور پیدا می‌کنند. البته قانون تجارت منعی برای حضور به‌عنوان مقام ناظر ندیده است، اما با حضور افراد عملاً نمی‌توان تفکیکی بین بالادست و پایین‌دست قائل شد. فردی که در حوزه بالادست وظیفه نظارت بر شرکتی را دارد که خودش عضو هیئت‌مدیره آن شرکت است، چندان نمی‌تواند فعل‌وانفعال داشته باشد و وظیفه خود را به‌درستی انجام دهد. او توضیح داد: در حوزه‌های روابط کار مانند سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای و تا حدودی بهزیستی بحث این تعارضات وجود دارد. در سازمان فنی‌وحرفه‌ای یک قاعده‌ای تنظیم می‌شود برای اینکه آموزشگاه‌های بیرونی از آن تبعیت کنند ولی در همان حال برخی از کارکنان، مدیران و مشاوران سازمان، در همان زمان در آموزشگاه‌های خصوصی مشغول به کار هستند. به‌این‌ترتیب قاعده‌های تنظیم‌شده سمت‌وسوی زیادی به سمت منافع آن آموزشگاه‌ها پیدا می‌کند.

طاهری عنوان کرد: در نمونه‌ای دیگر در وزارت کار بحث نظارت و امتیازدهی وجود دارد که صندوق‌ها را ارزیابی می‌کند، این در حالی است که ناظر نمی‌تواند ارزیابی درستی از عملکرد خود داشته باشد و امتیازدهی ناظر به عملکرد خودش وجاهت درستی ندارد؛ چراکه مقام وزارت‌خانه نباید خودش وارد بحث نظارت و امتیازدهی شود. بنابراین به نظر می‌رسد باید یک ناظر بیرونی این ارزیابی را صورت دهد. البته اینکه وزارتخانه

واحد نظارتی داشته باشد، در جای خود مطلوب است اما موضوع امتیازدهی باید ازطریق یک واحد بیرونی انجام شود. یک نهاد غیرانتفاعی مانند سازمان دیده‌بان شفافیت یا هر نهاد بیرونی دیگری که می‌تواند این وظیفه را برعهده داشته باشد. او با بیان اینکه یکی از آسیب‌هایی که وجود دارد، حضور مدیران در بخش خصوصی همان حوزه است، ادامه داد: این مسئله نه‌تنها در صندوق‌ها بلکه در تمام دستگاه‌ها و ادارات به چشم می‌خورد. مدیران ما در شرکت‌های تابعه اشتغال هم‌زمان دارند. صرف‌نظر از ممنوعیت قانونی، لازم است که برخوردهای سخت‌گیرانه‌تری صورت گیرد. در قوانین مختلف مانند قانون منع مداخله و عدم تصدی هم‌زمان، مقابله با فساد و تبصره ماده ۲۴۱ قانون تجارت این ممنوعیت دیده شده اما این قوانین چندان بازدارنده نبوده و لازم است تمهیدات بازدارنده‌تری ازسوی دستگاه‌ها پیش‌بینی شود.

طاهری اذعان کرد: آسیب این پدیده صرفاً اشتغال یک فرد در دو پست و اشغال جای فردی دیگر نیست؛ اشکال از آنجا به وجود می‌آید که فردی که در یک وزارتخانه در جایگاه ناظر قرار دارد، در شرکت پایین‌دستی مورد نظارت خود قرار می‌گیرد. آسیبی که این اتفاق می‌زند می‌تواند دامنه وسیعی پیدا کند و زمینه‌هایی را برای سوءاستفاده از جایگاه و کسب رانت و حتی فساد فراهم کند. این اتفاق قدرت و مانوسری برای فرد ایجاد می‌کند که رانت قابل‌توجهی برای او می‌تواند به ثمر آورد. مثل آسیب معامله مدیر شرکت با خود شرکت است. اینجا ما می‌گوییم فساد مفروض است. در قانون تجارت این امر ممنوع شده و حسابرسان هم موظف شده‌اند که

اقتصاد

با ابلاغ دستورالعمل تعیین ضوابط، انتخاب اعضای هیئت مدیره هلدینگ‌ها اصلاح شد

منع انتصابات سفارشی



این موارد را شناسایی و افشا کنند. اما همچنان شاهد می‌شود که افراد در سمت‌هایی مشابه اشتغال دارند و به‌دلیل آنکه جرایم کافی و برخوردهای بازدارنده با این پدیده صورت نگرفته است، برای افراد تا زمان شناسایی می‌صرف‌ده که دو پست باقی بمانند؛ به عبارت ساده‌تر وقتی در برخورد با این افراد، جرایم بازدارنده تعریف شود و علاوه بر عزل، به اندازه منفعتی که در طول مدت خدمت برده است، تنبیه مالی شود، رغبت به انجام این تخلف کاهش می‌یابد. اما ما در قوانین چنین جرایمی پیش‌بینی نکرده‌ایم؛ به همین دلیل فرد در هر دو سمت تا زمان شناسایی می‌ماند؛ چراکه نهایتاً قرار است از یکی از شغل‌ها استعفا دهد.

این کارشناس حقوق خصوصی اضافه می‌کند: در دیگر کشورها حتی برای افرادی که بازشتسته می‌شوند نیز منع فعالیت تا چندین سال در همان حوزه پیش‌بینی شده است؛ یعنی یک سیاست‌گذار در حوزه صندوق‌ها نمی‌تواند بعد از بازشتستگی بلافاصله به اشتغال صندوق‌های بخش خصوصی درآید. اما ما در کشور موارد زیادی داریم که افراد هنوز بازشتسته نشده‌اند، برای اشتغال در شرکت‌های بخش خصوصی همان حوزه قرارداد می‌بندند. این اتفاق می‌تواند باعث ایجاد رانت شود. از این بابت که فرد در جریان سیاست‌های کلان قرار دارد و با انتقال اطلاعاتی که می‌تواند برای شرکت‌ها نفع ایجاد کند، باعث شکل‌گیری فساد شود. او تأکید کرد: اساس حاکمیت شرکنی این است که روزنه‌هایی که گمان می‌رود باعث بروز فساد می‌شود، مسدود شود. بنابراین صحبتی که امروز با هم داریم، درمورد رانت‌های احتمالی و جلوگیری از بروز آن است.

طاهری می‌گوید زمانی که در وزارت کار فعالیت داشتیم، درصد تهیه برنامه‌ای بودیم که برای قوانین ضمانت اجرایی کافی ایجاد کند. همان‌طور که اشاره کردم ما در قوانین برخورد با این پدیده را پیش‌بینی کرده‌ایم اما این قوانین ضمانتی برای اجرا ندارد؛ چراکه اساساً تنبیهی برای فرد در نظر نگرفته است. او خاطرنشان کرد: دومین مسئله‌ای که می‌تواند به جلوگیری از بروز این پدیده کمک کند، ایجاد سامانه‌ای در صندوق‌های بازشتستگی است که همه افرادی که در ساختار بالادستی کار می‌کنند و همه افرادی که در هلدینگ‌ها و شرکت‌های زیرمجموعه کار می‌کنند، در این سامانه ثبت شوند تا اگر فردی به‌عنوان شغل دوم به بخشی معرفی می‌شود، خود سامانه آلارم بدهد؛ یعنی به‌صورت سیستمی این تخلف نشان داده شود.

طاهری افزود: وقتی قانون بازدارنده وجود ندارد و صرفاً به‌صورت نصیحت یک قانون ابلاغ می‌شود می‌تواند آن را اجرا نکنند و به قولی آن را دور بزنند. اما اگر این قوانین دارای ضمانت اجرا باشد، حتی کسی هم که انتصاب انجام می‌دهد، خود را در معرض آسیب و مقابله با قانون خواهد دید.

او با بیان اینکه به‌جز یک درصد بسیار ناچیزی که توان نداریم قاعده‌گذاری کنیم، باید برای باقی موارد قاعده‌گذاری صورت گیرد، متذکر شد: همین سامانه‌ای که ایجاد شده است، یعنی سامانه اعضای هیئت‌مدیره و مدیران عامل، در جلوگیری از اشتغال هم‌زمان افراد بسیار مؤثر عمل کرده است. اگر تا پنج سال قبل ما ۳۰۰ اشتغال هم‌زمان داشتیم، امروز این عدد به زیر ۱۰ نفر رسیده است. این سامانه به‌روز، تمام تغییرات اعضای هیئت‌مدیره را اعلام می‌کند. تقویت‌شده این سامانه می‌تواند حتی نشان دهد که یک فرد با مدرک غیر در یک شرکت اقتصادی مشغول به کار است.

او به یکی از پاشنه‌آشیل‌ها در هلدینگ‌ها اشاره کرد و گفت: معرفی افراد برای مدیریت هلدینگ‌ها بسیار صورت می‌گیرد. برای اینکه جلوی این اتفاق گرفته شود، در دستورالعمل ضوابط آمده است که نحوه انتخاب و انتصاب چگونه باشد. در آنجا تأکید شده است که نمی‌توانید انتصاب سفارشی انجام دهید. من نمی‌خواهم ادعا کنم که با این دستورالعمل همه کارها درست پیش می‌رود. به‌رحال یکسری فشارها قوی است و نمی‌توان با آن مقابله کرد اما می‌توانم تأکید کنم که جلوی بسیاری از سفارش‌ها گرفته می‌شود. اگر ما ۱۰ واحد فساد داریم و در یک دوره چهارساله آن را به شش واحد برسانیم، می‌توانیم بگوییم موفق عمل کرده‌ایم.

دخالت‌های دولت

سرمایه‌گذاران انرژی را از بورس دور می‌کند

به‌مرور تأثیرگذاری آن نمود پیدا خواهد کرد؛ عرضه‌کنندگان انگیزه کمتری خواهند داشت و تقاضاکنندگان نیز به‌دنبال آن خواهند رفت که محصول خود را از بخش‌های دیگر تأمین کنند. مهم‌ترین اثر منفی این اتفاق این است که باعث خواهد شد تا حجم معاملات پایین بیاید. این رویه باعث اخلال در بورس می‌شود و اهمیت را که بورس انرژی می‌تواند در سیاست‌گذاری قیمتی داشته باشد، مختل می‌کند. پایین آمدن حجم معاملات، کم‌شدن خریداران و فروشندگان و عدم شفافیت باعث می‌شود که به‌مرور انگیزه ورود به این بازار کاهش یابد.

❖ **فکر می‌کنید چرا دولت اجازه نمی‌دهد این روند به‌درستی طی شود؟** من خیلی منفعتی در این کار برای دولت نمی‌بینم، دولت به گمان خود در حال تنظیم بازار و عرضه و تقاضا است. به‌ویژه اینکه دولت این کار را به‌صورت فصلی معمولاً در تابستان یا براساس انگیزه‌دادن یا گرفتن برخی امتیازات به یک فرد انجام می‌دهد تا بازار را تنظیم کند.

❖ **به‌رحال این کاری است که بورس باید آن را انجام دهد. دخالت دولت استقلال بورس را به خطر نمی‌اندازد؟**

قطعاً همین‌طور است. شفافیت جزء فلسفه بورس است و این در شرایطی رخ می‌دهد که خرید و فروش به‌صورت آزادانه صورت بگیرد. اصولاً باید روند قیمت را رفتار بازار تعیین کند. باید به این نکته نیز توجه کرد که حوزه انرژی، یک حوزه راهبردی است و همچنین محصولی است که به‌ویژه در تابستان مصرف زیادی دارد، بنابراین اولویت تنظیم آن بسیار مهم‌تر از قیمت‌گذاری آن است. متأسفانه دخالت‌های دولتی در عرضه و تقاضا مشکلاّتی را ایجاد کرد؛ در اقتصاد اصطلاحی وجود دارد با این عنوان که «دومین، بهترین» یعنی مبنای بر آزادانه تعیین‌شدن قیمت‌هاست اما دولت برای تنظیم بازار و تعادل آن در این پروسه دخالت‌هایی را انجام می‌دهد. به‌رحال این رفتار با رویکرد و فلسفه بورس منافات دارد اما دولت شرایط حال‌حاضر را دشوار در شرایطی خاص و رفتار خود را توجیه‌شده می‌داند. من به‌عنوان کارشناسی که بازار را رصد می‌کنم، از این دست رفتارهای دولت زیاد دیده‌ام. فعالان بازار نیز با این‌گونه سیاست‌های دولتی مبنی‌بر قیمت‌گذاری سقف‌و‌کف برای محصولات هم در بورس انرژی و هم در بورس کالا آشنا هستند، شاید این رفتار باعث فرار گسترده سرمایه نشود اما لاجرم باعث کاهش انگیزه بسیاری از سرمایه‌گذاران می‌شود.

گذر

نرخ سود سپرده‌های مدت دار در صورت برداشت قبل از سررسید اعلام شد

● به گزارش مهر، بانک مرکزی با صدور بخش‌نامه‌ای به همه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری پیرو بخش‌نامه قبلی با موضوع ابلاغ سقف نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار با تأکید بر اینکه نرخ‌های یادشده در بخش‌نامه یادشده حداکثر نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار است، اعلام کرد که شورای پول و اعتبار در هزارو دویست و نودونهمین جلسه خود درباره نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار در صورت برداشت قبل از سررسید مقرر کرد که نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار که قبل از سررسید برداشته شوند، معادل نرخ سود علی‌الحساب سپرده سرمایه‌گذاری متناظر با دوره ماندگاری آن با کسر نیم‌درصد خواهد بود. بانک مرکزی تأکید کرده که به موجب این مصوبه، دیگر مصوبات قبلی شورای پول و اعتبار در این زمینه ملغاً خواهد بود.

ادامه از صفحه اول

کرونا، مدارس و مدیریت بحران

چنانکه هرکدام از این موارد مخدوش شود، در هفته‌های بعد خسارتش را کادر نظام سلامت و دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها و همه شهروندان باید با گرفتاری در بیمارستان‌ها و بخش‌های مراقبت‌های ویژه و با از دست‌دادن جان خود بپردازند. امیدوارم به‌سرعت تصمیم منطقی که وزارت علوم برای اعلام شروع سال تحصیلی جدید با اولویت آموزش مجازی گرفت و اعلام کرد، به وزارت آموزش‌وپرورش نیز تسری یابد. شرایط جدید جهان با کرونا و پساکرونا، به نحوی است که باید به‌سرعت خودمان را با لوازم و مناسباتش منطبق کنیم، اصرار بر تکرار شکل و فرم‌های پیشین زندگی فقط به جان مردم آسیب بیشتر خواهد زد.

❖ **عضو وابسته فرهنگستان علوم**

یکسان‌سازی یا تکتکزپذیری ملی

به‌این‌ترتیب، همان نقدی که کشور به‌درستی بر نظام حکمرانی جهانی وارد می‌کند، به روش حکمرانی داخلی نیز وارد است. رویکرد «همه جا باید شبیه‌غرب شوند تا توسعه یابند»، به‌گونه‌ای دیگر در داخل کشور نیز در حال اتفاق افتادن است و بر اثر آن فرهنگ و تولید بومی مناطق در حال «تهرانیزه»شدن است. نسخه‌های همسان ملی و تمرکزگرایی در شرایط تحریم و کرونا شاید ظاهراً مُسکن باشند، اما بسیار مخرب هستند. اولین گام، پذیرش ضرورت عدول از رویکرد سیاست‌گذاری تک‌نسخه‌ای و همسان‌ساز است. در سال‌های اخیر بارها الگوهای تکتکزپذیر پیشنهاد شدند، اما به نظر می‌رسد ابتدا باید عینک سیاست‌گذاری تغییر کند؛ راهکارهای آشنایی وجود دارند.

آیا مصلحت ناحق را حق می‌کند؟

این نمودار به‌خوبی نشان می‌دهد که دی‌نفعان سوداگرایی شهری چگونه با طرح اخذ چند میلیون تومان مالیات، بحث را از اجرای درست خود خارج کرده و تظاهر به دلسوزی برای مردم می‌کنند. آمار واحدهای مسکونی در پروانه‌های ساختمانی در شهر تهران (اعداد هزار واحد) و نرخ رشد آنها ظرفیت ساخت‌وساز در شهر تهران در دوره ۲۲ ساله، سالانه ۹۰ هزار واحد مسکونی است. به هر روی، تنها در هفت سال ۱۳۸۶ تا ۹۲ برای احداث یک‌میلیون ۱۴۲هزار واحد مسکونی، یعنی ۸۰ درصد بالاتر از میانگین، پروانه صادر شده است. آمار سال‌های نزدیک‌تر به سال ۱۳۹۲ که سال انتخابات است، ۲٫۵ برابر میانگین است. عمده این پروانه‌ها در منطقه‌های یک تا ۵ و ۲۲ صادر شده‌اند. تنها در این ۲۲ سال برای ساخت دومیلیون و ۳۹۵ هزار واحد مسکونی معادل ۸۸٫۷ درصد تعداد کل خانوارهای ساکن تهران پروانه صادر شده است. با توجه به رواج تراکم‌فروشی در شهرداری، می‌توان از این رقم حجم توافق‌های خارج از طرح جامع، مقررات قانونی و فساد احتمالی متضمن آن را حدس زد؛ البته این محدوده به ساخت‌وساز شهری نیست، مگر یک صدر که هزینه ساخت آن میلیارددلاری بوده و هنوز هیچ گزارش رسمی‌ای از قیمت‌تمام‌شدن آن انتشار نیافته و کمترین تأثیر را در روانی ترافیک مناطق شرق-غرب تهران داشته، بر مبنای نقشه جامع شهر تهران اجرا شده است؟ بحث من به بیراهه نرود. روی سخن من با دوست عزیزم آقای مهندس میرسلیم بود. شما هم کم‌وبیش همه اینها را می‌دانستی و می‌دانی که در پی تخلف از مقررات، فساد است. شما به چه مصلحتی در انتخابات ۹۶ و ۹۸ چشم بر ناحق‌ای به این آشکاری که به آن گاهی نیز داشتی، بستنی و با آن همراهی کردی؟ حضرات به اشتباه تصور می‌کنند که سیاست صحنه زبروروشی است. درست است که سیاست بالا و پایین فراوان دارد، ولی در نهایت آنچه به سود مردم است، در جهان باقی می‌ماند. سیاست‌مدار واقعی نه شعبه‌باز و نه مامور و معذور است؛ سیاست‌مدار وطن‌دوست، نگهبان منافع ملت است، برای مردم نفع عمومی می‌آفریند، بر اصلات مواضع و هویت ملی خود اصرار و بر سر سخن خود می‌ایستد؛ هرچند او را آماج حمله‌ها و اتهام‌ها قرار دهند. آنچه من از قرآن و سیره حضرت رسول و منش بزرگان قمیمدم، این است که مصلحت، هیچ حاقی را به‌حق تبدیل نکرده و هیچ‌گاه هدف وسیله را توجیه نمی‌کند.

